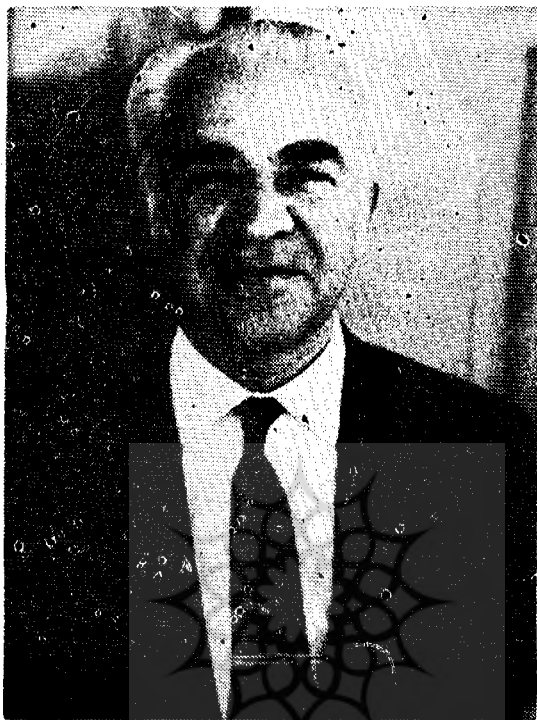


دکتر ابوتراب نفیسی
رئیس پیشین دانشکده پزشکی اصفهان



نظری به وضع آموزش

دبستان دبیرستان و دانشکده

طی نیم قرن اخیر

۱۰

انواع پزشکان شاغل به حرفه پزشکی

در سال ۱۳۱۵ شمسی در آن وقت که من وارد اصفهان
شدم تقریباً چهار نوع پزشک شاغل موجود بود از اینقرار :
دکترهای دانشکده دیده :
یک عده که در اقلیت محض بودند دکترها یا دیپلمه‌های

جدید بودند که تحصیلات منظم ابتدائی و متوسط را انجام داده و دوره پنج یا ۶ ساله طب جدید را نیز در دانشگاه گذرانده بودند و در تمام اصفهان در آن موقع ما چهار نفر بودیم: دکتر وحدانیان که هم کلاس من بود و اینک رادیولوژیست است - دکتر احمد بهادران که يك سال از ما چهلتر دیپلمه شده بود و جراح و کفیل اداره بهداری نیز بود - دکتر محمد برومند که تا این اواخر رئیس تیمارستان بود و فعلاً بازنشسته است و سه سال قبل از عافارغ التحصیل شده بود - بعد از ما: دکتر حکیم دیپلمه فرانسه هم به تعداد اطباء جدید اضافه شد و يك دکتر نیز در بیمارستان انگلیسی‌ها بود که دکتر شافتر نام داشت که همه کار می‌کرد.

پزشکان مجاز جدید:

اکثر اطباء را پزشکان «مجاز» تشکیل می‌دادند و آنها عده‌ای بودند که طبق قانون در اوائل سلطنت بهاوی پس از گذراندن يك امتحان در وزارت معارف تصدیق می‌گرفتند و از آن عده اکنون طبق آماری که در راهنمای پزشکان که از طرف نظام پزشکی منتشر شده در تمام کشور فقط ۸۹ نفرند که اغلب سالمند می‌باشند.

پزشکان مجاز قدیم:

قبل از این نیز دولت به علت احتیاجی که به پزشک داشت بالاچاره عده‌ای از آنان را که فقط نزد اطباء و حکیم‌باشی‌های قبلی شاگردی کرده بودند و طب تجربی آموخته بودند به رسمیت شناخت و در اعلانی که به وسیله تلگراف به تمام ایالات آن روز ایران از طرف وزارت معارف منتشر شده بود چنین اعلام شده بود که: (۱)

«از تاریخ این تلگراف یعنی اول عقرب ۱۳۳۳ (۲) تا اول حوت تمام اطباء و دندانسازها و جراح‌های تمام ولایات ایران باید خود را به وزارت معارف معرفی نمایند تا ورقه‌جواز به آنها داده شود هر کدام از اطباء و غیره که نتوانند در مرکز حاضر شوند می‌توانند حضوراً به حفظ‌الصحه بلدی (۳) معرفی

۱- نقل از یادداشت‌های مرحوم عبدالجواد طبیب که پدر زن اینجانب بود.

۲- سال هجری قمری است تقریباً مطابق آبان تا اسفند ماه ۱۲۹۳ شمسی می‌شود.

۳- حفظ‌الصحه بلدی یعنی اداره بهداشت و بهداری شهرستان که بعد شامل اداره بهداری شهرداری شد.

کنند و از آن اداره تصدیق گرفته بدهند حکومت آن بلد هم تصدیق نماید و به مرکز فرستاده تا از وزارت معارف دیپلم برای آنها داده شود و هر گاه پس از انقضاء این چهار برج تفتیش شد و یکی از اطباء و جراحان دندانسازها دیپلم نداشته باشند باید از شغل خود استعفاء کند و پس از این مدت هم دیگر با حدی دیپلم داده نمی شود مگر آنکه در مرکز حاضر شده امتحان داده جواز بگیرد .

و اینک يك نمونه از این گواهی نامه یا به اصطلاح « دیپلمه های » طبیب مجازی قدیم را در زیر می آورم :

« نظر به مواد قانون طبابت مصوبه سوم جمادی الاخر ۱۳۲۹ چون آقای . . . ولد . . . مقیم بر حسب تشخیص وزارت معارف موافق مواد قانون حق اشتغال به طبابت راحصل کرده علیهذا وزارت معارف به مشارالیه اجازه می دهد که به عنوان طبیب مجاز در ولایت . . . مشغول به طبابت باشند . تاریخ دوازدهم برج دلو پارس ٹیل ۱۳۳۳ . »

در بین این پزشکان عده ای بودند که منحصرأ طب قدیم را به کار می بردند و از استعمال دواهای شیمیائی و به اصطلاح به « جوهریات » خودداری می کردند که در آن زمان سه نفرشان معروف بودند یکی مرحوم میرزا ابوالقاسم مؤید حکمت معروف به گوگردی ، که مردی متدین و دانشمند علوم قدیمه بود و خود مدرس طب قدیم نیز بود که محکمه آن در محله احمدآباد بود - دیگری مرحوم حاجی سید مصطفی مؤیدی که محکمه آن در محله سنبلستان بود و سومی مرحوم حاجی آقا حسن حکمی که محکمه آن در محله بیدآباد بود ولی از بین این سه نفر فقط اولی در علم خود تبحر بیشتر داشت و تجربه او نیز طولانی تر بود و بیشتر مرجع مردم بود .

پزشکان مجاز دیگری نیز بودند که یا منحصرأ به سبک جدید درمان می کردند و آنها از شاگردان بیمارستان مسیحی

۱- در سابق هر سال را طبق نظرات ستاره شناسان قدیم منسوب به حیوانی می دانستند که لغت ترکی آنرا استعمال می کردند مانند سیچقان ٹیل = سال گوسفند - ایت ٹیل پارس ٹیل . . .

و هنوز هم در بعضی تقویم هائی که به شیوه منجم باشی های قدیم نوشته می شود رعایت همین نکات می گردد .

بودند و یا مخلوطی از طب جدید و قدیم را به کار می بردند که درحقیقت نه این بودند و نه آن و عده ای از آنها جزو گروه ۲ و عده ای دیگر جزو گروه ۳ و عده ای هم اصولاً بدون اجازه بودند.

دکترهای قدیم :

علاوه بر پزشکان دیپلمه جدید (دکترهای صاحب پایان نامه و دکترا) و پزشکان مجاز قدیم و جدید دسته چهارمی نیز از پزشکان بودند که تحصیلات طب کرده و به اصطلاح دیپلمه بودند که یا در دارالفنون و یا در کلاس طب درس خوانده بودند و از بعضی دروس جدید مانند فیزیک - شیمی - طبیعی - تشریح و پاتولوژی و غیره و زبان فرانسه اطلاع داشتند منتها تحصیلات منظم ابتدائی و متوسطه نداشته و دوره طب آنان چهار کلاسی بوده و در زمان ورود من به اصفهان ۳ نفر از آنان در اصفهان طبابت می کردند که یکی در قشون بوده و درجه سلطانی (سروان) داشت و آن مرحوم سلطان جواد خان جابری انصاری بود و دیگری سرهنگ دکتر سید عیسی علاج که رئیس بهداری تپ اصفهان بود و دیگری دکتر ممتاز که هنوز هم در اصفهان به شغل طبابت مشغول است . (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۴۱

و «تاریخ» نام دارد و ما امروز باید برای آن هر دو سید مقتول طلب آمرزش نمائیم .

اکنون چون فردا نسرروز ۱۹۷۴ فرنگیهاست آرزومی کنم که این سال نو میلادی بر مردم دنیا و علی الخصوص بر مرز و بوم ایران زمین و هموطنان ما مبارک و فیروز و صلح آور و عاقبت پیروز باشد .

ژنو ، ۱۰ دی ۱۳۵۲ سید محمد

علی جمال زاده

کردروز و روزگاری برایشان حکایت کنم. چنانکه می دانید پدرم در بروجرد با مر محمد علی شاه قاجار به شهادت رسید و مرحوم بهبهانی هم بحق یا ناحق بضرب گلوله از پا درآمد و این دو سید جلیل القدر اگر در روز باز خواست همدیگر را ببینند شخصاً بحساب گذشته رسیدگی کنند و در هر صورت داوری قطعی تعلق به داور کل نهائی دارد که «خدا»